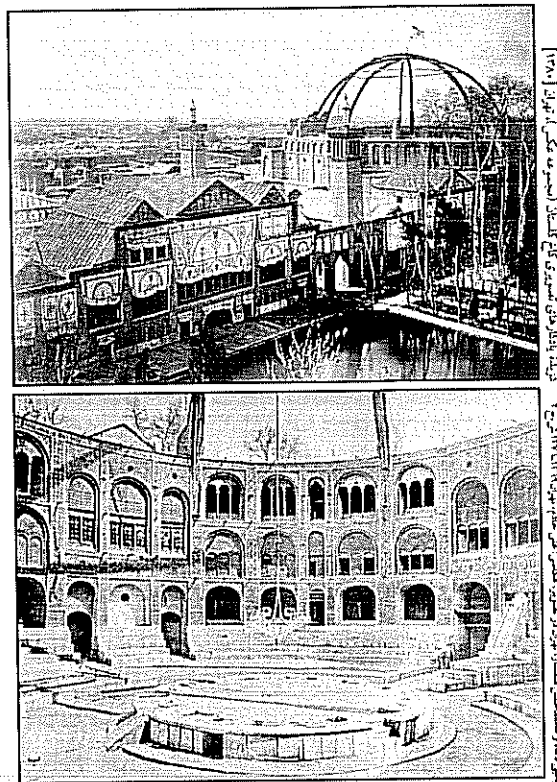


"Trade and travel: markets and caravanserais", in
Architecture of the Islamic world, ibid.

/ افسانه منفرد /



الف - نمایی از تکیه دولت و عمارت بادگیر کاخ گلستان
 ب - نمایی از صحن مرکزی تکیه دولت

مستوفی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ هدایت، ص ۸۷). اتاقهای طبقه دوم
 آژسی داشت و مخصوص بانوان حرم بود (اورسول^۳، ص ۱۶۰).
 طبقه سوم، جایگاه نقاره‌چینها بود که با نرده‌های حفاظت می‌شد
 (اوبن، ص ۱۹۳؛ منصوری‌فرد، همانجا).

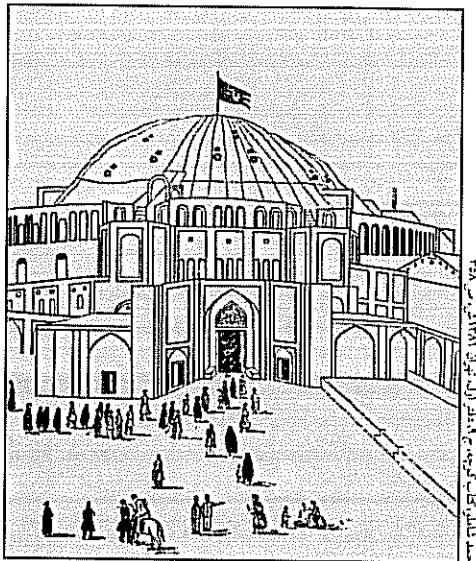
اتاق شاه در طبقه دوم، ارتفاع بیشتر و سردر و سقف
 بلندتری داشت (بنجامین، ص ۲۸۹). هنگام اجرای تعزیه پرده
 توری سیاهی در برابر غرفه شاه می‌کشیدند (مستوفی، همانجا).
 ورود به اتاقها و خروج از آنها از طریق راهروهای پشت آنها
 صورت می‌گرفت (ذکاء، ص ۲۹۷). صحن مرکزی را داریستی از
 الوار و تیرهای چوبی می‌پوشاند که با بستها و تسمه‌های آهنی
 درهم چفت شده و بر روی دیوارهای بنا تعبیه شده بود و سقفی
 گنبدی را بر روی صحن تشکیل می‌داد که در مواقع لزوم چادر
 کرباسی ضخیمی بر روی آن می‌کشیدند (منصوری‌فرد،
 ص ۵۷۲؛ اعتمادالسلطنه؛ فروغ، همانجا). پس از آنکه
 چوب‌بستها از چند جا شکست، مهندس بتن فرانسوی به فرمان
 مظفرالدین‌شاه نیم‌قوسهایی آهنی به جای قوسهای چوبی کار
 گذاشت. نیم‌قوسهای آهنی دوازده عدد بود که هر کدام از پنج

تکیه دولت (یا تکیه همایونی دولتی، تکیه قصر، تکیه
 بزرگ شاهی)، بنایی که برای اجرای تعزیه و برگزاری مراسم
 سوکواری و روضه‌خوانی ایام عاشورا در تهران برپا شد. ساخت
 آن از ۱۲۸۵ تا حدود ۱۲۹۰ به طول انجامید. تکیه دولت را
 دوستعلی‌خان معیرالممالک به فرمان ناصرالدین‌شاه و با صرف
 سرمایه‌ای بالغ بر سیصد هزار تومان بنا کرد (ذکاء، ص ۲۸۷،
 ۲۹۳؛ معیرالممالک، ص ۱۳؛ قس اعتمادالسلطنه، ص ۸۸). این
 بنا در ضلع جنوب‌شرقی باغ گلستان و در جنوب‌غربی
 شمس‌العماره قرار داشت (براساس نقشه عبدالغفار نجم‌الملک
 (نجم‌الدوله) از تهران در ۱۳۰۹ به نقل منصورى‌فرد، ص ۵۷۰،
 ۵۷۷، نقشه ش ۲) که قبلاً در محل آن، انبار دولتی ارگ شهر
 مستقر بود (نقشه کرشیش اتریشی از تهران در ۱۲۷۵ به نقل
 منصورى‌فرد، ص ۵۷۷، نقشه ش ۱؛ ذکاء، ص ۲۸۷).

ساختمان تکیه دولت مدور و آجری به قطر تقریبی شصت
 متر و به ارتفاع ۲۴ متر بود (فروغ، ص ۷). این ساختمان، سه
 طبقه، و با سردابه چهار طبقه، داشت (اعتمادالسلطنه، ص ۸۷).
 مساحت آن حدود ۲۸۲۴ مترمربع بود (اعتمادالسلطنه؛ فروغ،
 همانجاها؛ ریاحی، ص ۱۷). پی بنا سست بود و بر روی خاک
 دستی قرار گرفته بود و همین امر از ابتدا مشکلاتی برای
 مقاومت و ایستایی آن پدید آورد (منصوری‌فرد، ص ۵۷۰؛
 سرنا، ص ۱۶۳).

تکیه دولت سه ورودی داشت: ورودی اصلی و بزرگ در
 ضلع شرقی تکیه برای مردان، با دری دو لنگه و سردری جناغی؛
 ورودی ضلع غربی برای زنان، از سمت میدان ارگ با سردر
 جناغی و شش مناره کوچک در دو طرف که با کاشی مُعَقَّلِی
 پوشیده شده بود (منصوری‌فرد، ص ۵۷۱-۵۷۲؛ اعتمادالسلطنه،
 ص ۸۷؛ ذاکرزاده، ص ۱۲۹)؛ ورودی سوم، راهرو پر پیچ‌وخم و
 تاریکی بود که قسمت شاه‌نشین تکیه را به ضلع جنوبی کاخ
 گلستان وصل می‌کرد و شاه برای ورود به تکیه از آن می‌گذشت
 (سرنا، ص ۱۶۲؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۴).

در اطراف صحن، بیست طاق (هریک به عرض هفت و نیم
 متر) با دیوارها و ستونهای کاشی‌کاری قرار داشت و روی طاقها
 اتاقهایی در دو طبقه ساخته شده بود. اتاقهای طبقه اول ویژه
 وزرا و حکام ولایات بود که با نظارت ناظر (کارپرداز کاخ،
 فرانشبائی) میان ایشان تقسیم می‌شد (اوبن^۲، ص ۱۹۰؛



تکیه دولت، طرحی از ابوتراب غفاری، چاپ شده در روزنامه شرف (ذیحجه ۱۳۰۴)

ج ۱، ص ۲۹۶). تعداد شمعیایی که در تکیه افروخته می‌شد، به‌حدی بود که با مقاطعه جمع‌آوری پیه و گچ شمعیای سوخته و نیمه‌سوخته، بخشی از مخارج روضه‌خوانی تأمین می‌گردید (همان، ج ۱، ص ۳۰۳). گذشته از منابع نور، داخل تکیه را با تاجهای گل و پارچه‌ها و قالیهای گرانبها و آینه می‌آراستند (سرنا، ص ۱۶۳؛ اورسول، ص ۲۹۹). تزئین هریک از طاقها بر عهده یکی از رجال بود و رقابت میان آنان به شکوه بیشتر آرایه‌ها منجر می‌شد. بخشهایی نیز به درویشان اختصاص داشت که با تخت پوست، کشکول، بوق و تسبیح تزئین می‌شد (مستوفی، ج ۱، ص ۳۰۱). شاه نیز اثنای خاص تکیه دولت تدارک دیده بود (هدایت، ص ۱۴۰).

شکوه مراسم و فضای تکیه دولت تا آنجا بود که با وجود احتیاط ایرانیان در پذیرش ورود بیگانگان به مراسم تعزیه به سبب نگرانی از واکنش نادرست آنان، شاه و درباریان با آسودگی خاطر سیاحان فرنگی را به تکیه دولت دعوت می‌کردند. گزارشهای سیاحان (الگار، ص ۲۴۴؛ ظهیرالدوله، ص ۱۷۴ از حضور چرچیل در تکیه دولت سخن گفته است) در کنار تصویرهای برجای مانده، به بازسازی ذهنی این بنای نابود شده کمک می‌کند.

تکیه دولت را می‌توان نماد تهران دوره ناصری دانست (سرنا، ص ۲۴۲). بسیاری بر تأثیرپذیری معماری آن از سبک اروپایی و شباهت آن با تماشاخانه ورونا^۱ (فروغ، همانجا) و

تکیه مجزا تشکیل و با پیچ و مهره به‌هم وصل می‌شد و دیگر به پشت‌بندهای آجری در سقف اتاقهای تکیه احتیاجی نبود (ذکاء، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۶). در زمان مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴) چون بیم آن می‌رفت که فشار پوشش باعث خرابی بنا شود، برای کاهش فشار، طبقه آخر را خراب کردند (مستوفی، همانجا؛ ذکاء و سمسار، ج ۲، تصویر ۱۳-۶).

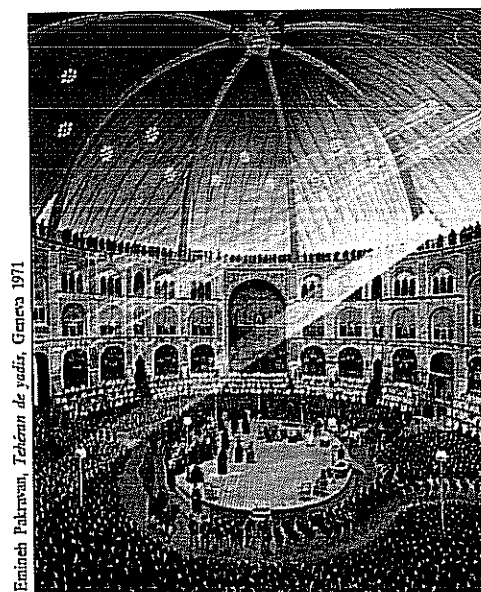
در وسط صحن تکیه، سکوی گردی به شعاع تقریبی نه‌ونیم متر و ارتفاع تقریبی یک متر با ازاره سنگی منقوش با قلاب و شمشه قرار داشت که سطح آن آجر فرش بود. در این ازاره دریچه‌هایی تعبیه شده بود که احتمالاً به زیرزمین گشوده می‌شد (ذکاء، ص ۲۹۴؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۴-۵۷۵). در دو طرف سکو دو پلکان سه‌پله‌ای قرار داشت (منصوری‌فرد، ص ۵۷۵؛ ذکاء و سمسار، ج ۲، تصویر ۳-۶). دور سکو، محوطه‌ای به عرض تقریبی شش‌متر برای عبور اسبها و دسته‌های موسیقی منظور شده بود. پلکانی در شش ردیف با یک پیش‌آمدگی دور تا دور صحن و متصل به ساختمان مدور تکیه قرار داشت که مشرف بر صحن مرکزی و سکوی آن بود. این بخش، مخصوص زنان بود (فروغ، همانجا؛ اورسول، ص ۳۰۰؛ هدایت، ص ۸۸). در تکیه، منبری بیست پله‌ای (فروغ، همانجا؛ چهارپله پله) قرار داشت که دو دیواره جانبی آن از مرمر یکپارچه بود. بلندی آن حدود یک طبقه تکیه بود و به سفارش معیرالممالک در یزد ساخته شده بود (ذکاء، ص ۲۹۷؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۴). این منبر را در زمان انقلاب مشروطه از تکیه خارج کرده و در میدان توپخانه گذاشته بودند و شیخ فضل‌الله نوری بر آن سخنرانی می‌کرد (هدایت، ص ۱۶۱).

در چهار طرف تکیه، حوضهای پیر آبی قرار داشت که نوجوانانی با لباس عربی، غالباً بر اساس نذر والدینشان، سقای حاضران در تکیه را بر عهده داشتند (اوین، ص ۱۹۱). در زمستان برای تأمین گرما در چند جا منقل می‌گذاشتند (سرنا، ص ۱۶۵).

بر اساس وصفهایی که از فضای داخلی تکیه دولت برجا مانده است، می‌توان گفت که تزئین در آن بیش از معماری کلی و نمای بیرونی اهمیت داشته است. بویژه استفاده از شمعدانهای چند شاخه و دیوارکوبیا و چلچراغها و شمعیها و مانند اینها که نورپردازی فضای تکیه را چشمگیر می‌کرد. چلچراغی در وسط سقف قرار داشت (فروغ، همانجا) که چندی با نیروی برق روشن می‌شد (بنجامین، ص ۲۹۸؛ کرزن، ج ۱، ص ۴۳۴). بخشی از نور تکیه، بویژه سکوی وسط، از چراغهای لاله فتری یا کاسه بلور که فراشها حمل می‌کردند، تأمین می‌شد (مستوفی،

و بررسیهای سفیر فرانسه در ایران، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ ارنست اورسول، سفرنامه اورسول: ۱۸۸۲ میلادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران [؟ ۱۳۵۲ ش]؛ سمیوئل گرین دیلر بنجامین، ایران و ایرانیان: عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمدحسین کردجه، تهران ۱۳۶۳ ش؛ امیرحسین ذاکرزاده، سرگذشت طهران: گزیده‌ای از آداب و رسوم مردم طهران، تهران ۱۳۷۳ ش؛ یحیی ذکا، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، تهران ۱۳۲۹ ش؛ یحیی ذکا و محمدحسن سمسار، تهران در تصویر، عکاسی علی خادم، تهران ۱۳۶۹-۱۳۷۶ ش؛ روسیه، وزارت امورخارجه، کتاب نازنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت امورخارجه روسیه تزاری در باره انقلاب مشروطه ایران، ج ۱، ترجمه حسین قاسمیان، چاپ احمد بشیری، تهران ۱۳۶۷ ش؛ محمدامین ریاحی، هنرهای زیبا در ایران امروز، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۷۱ (شهریور ۱۳۲۷)؛ کارلا سرنا، مردم و دیدنیهای ایران، ترجمه غلامرضا سبغی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ عنایت‌الله شهیدی، «امیرکبیر و تکیه دولت»، جهان کتاب، سال ۶، ش ۱۹-۲۰ (بهمن ۱۳۸۰)؛ علی بن محمدناصر ظهیرالدوله، سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، چاپ محمداسماعیل رضوانی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ مهدی فروغ، «تکیه دولت»، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۲۹ (اسفند ۱۳۴۳)؛ محمدعلی کاتوزیان تهرانی، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران ۱۳۷۹ ش؛ جرج ناتانل کروز، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران ۱۳۲۹ ش؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران ۱۳۶۰ ش؛ دوستعلی معیارالمالک، وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)، چاپ خدیجه نظام‌مانی، تهران ۱۳۶۱ ش؛ محسن منصوری فرد، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران: ۷-۱۲ اسفند ماه ۱۳۷۴، ارگ بم - کرمان، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۳، [تهران]: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵؛ مهدقلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران ۱۳۶۳ ش. / افسانه منفرد /

تگرگ (ژاله، یخچه؛ در عربی: بَرَد)، از عوارض جوّی. تگرگ از دانه یا تکه‌های یخ به قطر ۵ تا ۵۰ میلیمتر (و گاه بیشتر) تشکیل می‌شود و حاصل حرکات عمودی شدید قطرات باران در طوفانهای همراه با رعدوبرق است که در نتیجه این حرکات، قطرات آب بسرعت منجمد می‌شود. این حرکات عمودی سریع بویژه در ابرهای کومولونیمبوس آبد وجود می‌آید. تگرگ دارای لایه‌های شفاف و نیمه‌شفاف است. فصل بارش تگرگ اغلب در بهار یا فصول انتقالی سال است، زیرا در این فصول اغتشاشات شدید جوّی زیاد است (جعفرپور، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ کاویانی و علیجانی، ص ۲۵۳-۲۵۴).



تکیه دولت اثر کمال الملک (محمدغفاری)

آلبرت هال^۱ لندن (کروز، همانجا؛ اورسول، ص ۱۶۰) تأکید کرده‌اند. برخی، از جمله منصوری فرد (ص ۵۷۵)، نیز با توجه به این نکته که تاریخ اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ ۱۲۹۶ و پس از ساخت تکیه دولت بوده است، از تأثیرپذیری آن از معماری سنتی سخن گفته‌اند.

تکیه دولت تا پایان دوره قاجار برپا بود، چنانکه جنازه مظفرالدین شاه در مراسم باشکوهی به آنجا حمل شد و تا انتقال آن به عتبات در همانجا بود (کاتوزیان تهرانی، ص ۴۱۷). در محرم ۱۳۲۶ نیز محمدعلی شاه، مطابق رسم معمول همه‌ساله، به تکیه رفت و در پی هجوم جمعیت تلفاتی به بار آمد (روسیه، وزارت امورخارجه، ج ۱، ص ۱۰۴). مجلس مؤسسانی که در پانزدهم آذر ۱۳۰۴ تشکیل شد و احمدشاه را برکنار کرد و رضاخان را به ریاست حکومت موقت گمارد، در تکیه دولت برپا گردید (هدایت، ص ۳۶۹).

تکیه دولت سالها متروک و نیمه‌مخروبه بود تا اینکه در ۱۳۲۵ ش برای ساخت شعبه بانک ملی در بازار، آن را خراب کردند و بیشتر عرصه آن زیربنای بانک گردید (ذکا، ص ۳۱۰؛ شهیدی، ص ۱۴).

منابع: محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳ ش؛ حامد الگار، دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سزّی، تهران ۱۳۶۹ ش؛ اوژن اوبن، ایران امروز، ۱۹۰۶-۱۹۰۷: سفرنامه